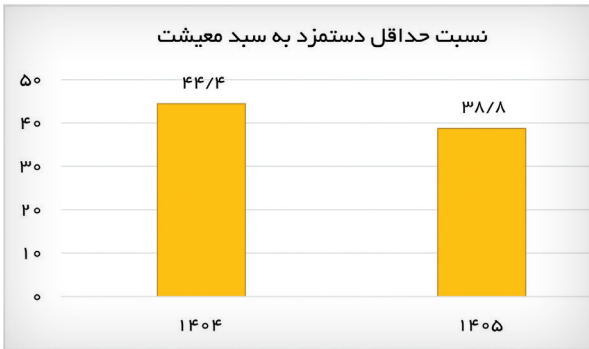


افزایش بزرگ مزد، چالش بزرگ معیشت

افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد روی کاغذ کم سابقه است، اما فاصله آن با هزینه‌های واقعی زندگی و سبد معیشت کارگران همچنان قابل توجه است



چندانی نکرده و شاید از یک منظر کاهش نیز یافته باشد. در سال جاری حداقل دستمزد حدود ۱۰.۴ میلیون تومان تعیین شد، در حالی که سبد معیشت در پایان سال گذشته حدود ۲۳/۴ میلیون تومان برآورد شده بود. به این ترتیب حداقل مزد حدود ۴۴ درصد از هزینه‌های سبد معیشت را پوشش می‌داد.

اما اکنون به رغم افزایش ۶۰ درصدی دستمزد، وضعیت بدتر نیز شده است. حداقل دستمزد سال آینده حدود ۱۶.۶ میلیون تومان تعیین شده و در مقابل سبد معیشت ۴۲.۹ میلیون تومان برآورد می‌شود. به این ترتیب حداقل مزد تنها حدود ۳۸ درصد از هزینه‌های سبد معیشت را پوشش می‌دهد که از رقم ۴۴ درصدی سال گذشته کمتر است. این مقایسه نشان می‌دهد که افزایش اسمی دستمزد‌ها الزاماً به معنای بهبود محسوس قدرت خرید نیست.

سبد کارگران، نیازمند حمایت مضاعف

در چنین شرایطی، نگاه‌ها بیش از گذشته به سیاست‌های حمایتی دولت دوخته شده است. دولت همزمان با تغییر در سیاست‌های ارزی، اجرای طرح توزیع کالا بزرگ الکترونیکی را در دستور کار قرار داده است. در این طرح، میزان حمایت برای همه دهک‌ها تاکنون به طور یکسان و حدود یک میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

با افزایش نرخ ارز و تغییر سیاست‌های حمایتی، احتمال افزایش رقم این حمایت نیز مطرح شده است. با این حال برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند که توزیع یکسان حمایت میان همه دهک‌ها نمی‌تواند به طور مؤثر فشار معیشتی اقشار کم درآمد را کاهش دهد. از نگاه این کارشناسان، سیاست‌های حمایتی باید به صورت هدفمند طراحی شود و سهم بیشتری از یارانه‌ها به دهک‌های پایین درآمدی اختصاص یابد.

به بیان دیگر، در شرایطی که فاصله میان حداقل دستمزد و هزینه‌های واقعی زندگی همچنان قابل توجه است، سیاست‌های حمایتی دولت می‌تواند نقش مهمی در کاهش فشار معیشتی ایفا کند. با این حال، بسیاری از تحلیلگران تأکید می‌کنند که راهکار پایدار برای بهبود قدرت خرید خانوارها، مهار تورم و ایجاد ثبات در اقتصاد است.

در نهایت می‌توان گفت افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد اگرچه از نظر عددی گامی قابل توجه به شمار می‌آید، اما در عمل نمی‌تواند شکاف میان درآمد کارگران و هزینه‌های واقعی زندگی را به طور معناداری کاهش دهد. تا زمانی که روند افزایش هزینه‌های زندگی ادامه داشته باشد، حتی افزایش‌های قابل توجه دستمزد نیز ممکن است نتوانند کاهش قدرت خرید را جبران کنند.

و ۲۰۰ هزار تومان تعیین شد و حق تأهل نیز همان ۵۰۰ هزار تومان ماند. **حق مسکن:** در میان این تغییرات، افزایش حق مسکن بیش از سایر مولفه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این مولفه که در ۲ سال اخیر، ثابت مانده و تغییری نکرده است، برای سال آینده از ۹۰۰ هزار تومان به سه میلیون تومان افزایش یافت. افزایشی که از نظر درصدی چشمگیر است، اما به نظر نمی‌رسد در قبال ارقام کنونی اجاره‌چندان گره گشا باشد.

حداقل دریافتی خانوار ۴ نفره: بر اساس مجموع مولفه‌های فوق، حداقل دریافتی ماهانه یک کارگر متأهل با دو فرزند در سال ۱۴۰۵ حدود ۲۶ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان خواهد بود؛ در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۶ میلیون و ۳۵۱ هزار تومان بود.

حداقل دریافتی خانوار ۳ نفره: همچنین حداقل دریافتی کارگر متأهل با یک فرزند حدود ۲۴ میلیون و ۴۸۸ هزار تومان و کارگر متأهل بدون فرزند حدود ۲۲ میلیون و ۳۲۵ هزار تومان تعیین شده است.

حداقل دریافتی کارگر مجرد تازه کار: حداقل دریافتی یک کارگر مجرد بدون سابقه کار حدود ۲۱ میلیون و ۸۲۵ هزار تومان خواهد بود.

سایر سطوح مزدی: به گزارش تسنیم، همچنین در جلسه شورای عالی کار، برای رشد قیمت سایر سطوح مزدی، افزایش ۴۵ درصد به اضافه ۱/۵ میلیون تومان تصویب شده است.

یک اتفاق خاص

نکته بسیار مهمی که در مصوبات شورای عالی کار دیده می‌شود، این است که اعتبار ارقام مصوب کنونی، تنها برای ۶ ماه است. بر این اساس، شورای عالی کار بار دیگر در شهریور ماه میزان افزایش دستمزد کارگران را بررسی و اعلام خواهد کرد. این موضوع از آن جایی اهمیت دارد که در سال‌های اخیر نیز با رشد شتابان قیمت‌ها، قدرت خرید کارگران در نیمه دوم سال با افت محسوسی روبه‌رو می‌شد. هم‌اکنون نیز ملاحظه می‌شود که نرخ تورم نقطه‌ای به مرز ۷۰ درصد رسیده که حاکی از افت شدید قدرت خرید کارگران است. در نتیجه افزایش ۶۰ درصدی کنونی دستمزد، از منظر قدرت خرید، تازه این شاخص را تقریباً به سطح کنونی می‌رساند.

با این حال، به نظر می‌رسد با وضعیت کنونی، وضعیت تورم در سال آینده نیز ادامه داشته باشد و در نتیجه تصمیم به بازبینی دستمزد در انتهای تابستان آینده، اقدامی ضروری خواهد بود.

حداقل دستمزد ۴۰۵

۴۰ درصد کمتر از سبد معیشت
یکی دیگر از موضوعات مهم مطرح‌شده در جلسات شورای عالی کار، تعیین سبد معیشت بود که پس از بحث‌های متعدد، اعضای این شورا در نهایت بر سر رقم ۴۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان به توافق رسیدند. در این راستا، نگاهی به نسبت دستمزد و سبد معیشت در دو سال اخیر نشان می‌دهد که اگرچه رقم دستمزد افزایش قابل توجهی داشته، اما سهم آن از هزینه‌های واقعی زندگی تغییر

امارات؛ «دستگاه فشار» آمریکا علیه ایران

یک اقتصاددان با تشریح نقش امارات متحده عربی در سازوکار تحریم‌های آمریکا علیه ایران، از وابستگی اقتصاد ایران به درهم و شبکه تسویه مالی این کشور به عنوان یکی از ابزارهای فشار بر اقتصاد ایران یاد کرد



تحت تأثیر رقابت قدرت‌های بزرگ قرار نگیرد. با این حال، به‌ویژه در دوره تشدید تحریم‌ها، استفاده امنیتی از وابستگی ایران به کانال‌های تسویه درهم بارها مشاهده شده است. این اقتصاددان در بخش دیگری از سخنان خود به نحوه تنظیم روابط منطقه‌ای ایران اشاره کرد و گفت: یکی از اشتباهات مهم در یک دهه گذشته این بود که روابط با کشورهای همسایه به ابزاری برای تنظیم روابط با قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. در حالی که بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله امارات، ابتدا روابط خود با قدرت‌های بزرگ را مینا قرار داده و سپس در چارچوب آن با ایران تعامل کرده‌اند.

به گفته شاکری، اصلاح این رویکرد و بازتعریف سیاست همسایگی می‌تواند یکی از پیش شرط‌های کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی ایران در برابر چنین فشارهایی باشد.



پس از مدت‌ها مذاکره و چانه‌زنی میان نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت، شورای عالی کار در واپسین روزهای سال سرانجام حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۵ را با افزایش ۶۰ درصدی تصویب کرد؛ افزایشی که در مقایسه با رشد ۴۵ درصدی دستمزد در سال ۱۴۰۴، جهشی قابل توجه به شمار می‌آید. با این حال بررسی دقیق تر ارقام نشان می‌دهد که این افزایش هرچند می‌تواند بخشی از فشارهای معیشتی را کاهش دهد، اما همچنان فاصله قابل توجهی میان درآمد کارگران و هزینه‌های واقعی زندگی وجود دارد. حتی شاید بتوان گفت قدرت خرید کارگران حداقل بگیر را کاهش نیز داده است!

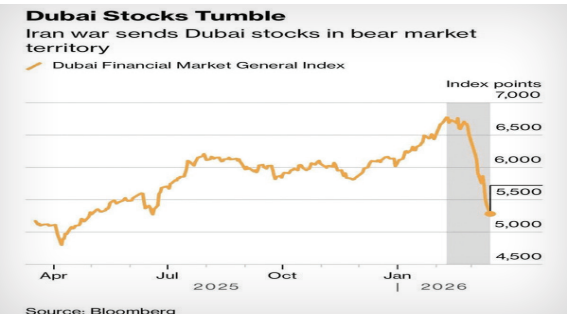
جزئیات افزایش ۶۰ درصدی حداقل مزد

به گزارش خراسان، بر اساس مصوبه شورای عالی کار، حداقل مزد روزانه کارگران از ۳۴۶ هزار و ۳۶۵ تومان در سال ۱۴۰۴ به ۵۵۴ هزار و ۱۸۵ تومان در سال ۱۴۰۵ افزایش یافته است. به این ترتیب حداقل مزد ماهانه نیز از ۱۰ میلیون و ۳۹۰ هزار و ۹۶۸ تومان به ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان رسیده است.

حق اولاد: علاوه بر دستمزد پایه، برخی مزایای مزدی نیز با افزایش قابل توجهی همراه شده‌اند؛ متناسب با افزایش حداقل دستمزد، حق اولاد که معادل با سه روز حقوق محاسبه می‌شود برای هر فرزند از یک میلیون و ۳۹ هزار تومان در سال ۱۴۰۴ به یک میلیون و ۶۶۲ هزار تومان افزایش یافته است. همچنین پایه سنوات که برای امسال ۲۸۲ هزار تومان تعیین شده بود، برای سال آینده به ۵۰ هزار تومان به ازای هر سال سابقه کار افزایش یافته است.

بن خواربار: بن خواربار کارگران نیز همچون سال ۱۴۰۴ مبلغ ۲ میلیون

ارقام به تومان	۱۴۰۴	۱۴۰۵	تفاوت	درصد رشد
حداقل مزد روزانه	۳۴۶,۳۶۵	۵۵۴,۱۸۵	۲۰۷,۸۲۰	۶۰
حداقل مزد ماهانه	۱۰,۳۹۰,۹۶۸	۱۶,۶۲۵,۵۵۰	۶,۲۳۴,۵۸۲	۶۰
حق اولاد (هر فرزند)	۱,۰۳۹,۰۹۶	۱,۶۶۲,۵۵۵	۶۲۳,۴۵۹	۶۰
پایه سنواتی	۲۸۲,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۲۱۸,۰۰۰	۷۷/۳
کمک هزینه اقلام مصرفی (بن)	۲,۲۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	۰	۰
کمک هزینه مسکن	۹۰۰,۰۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	۲,۱۰۰,۰۰۰	۲۳۳/۳
حق تاهل	۵۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۰	۰
حداقل دریافتی ماهانه کارگران متأهل با دو فرزند	۱۶,۳۵۱,۱۶۱	۲۶,۱۵۰,۶۶۰	۹,۷۹۹,۴۹۹	۵۹/۹
حداقل دریافتی کارگران متأهل با یک فرزند	۱۵,۳۱۲,۰۶۴	۲۴,۴۸۸,۱۰۵	۹,۱۷۶,۰۴۱	۵۹/۹
حداقل دریافتی کارگران متأهل بدون فرزند	۱۳,۹۹۰,۹۶۸	۲۲,۳۲۵,۵۵۰	۸,۳۳۴,۵۸۲	۵۹/۶
حداقل دریافتی ماهانه کارگران مجرد بدون سابقه	۱۳,۴۹۰,۹۶۸	۲۱,۸۲۵,۵۵۰	۸,۳۳۴,۵۸۲	۶۱/۸



تداوم سقوط بورس دبی

داده‌های منتشرشده از بازارهای مالی نشان می‌دهد شاخص کل بازار مالی دبی در پی تجاوز و حشیانه آمریکا و اسرائیل به ایران با سقوط قابل توجهی روبه‌رو شده است. بر اساس نمودار منتشرشده توسط بلومبرگ، شاخص بازار مالی دبی که در ماه‌های اخیر تا محدوده حدود ۶۶۰۰ واحد رشد کرده بود، طی ۱۷ روز گذشته باریزش شدید مواجه شده و تا نزدیکی ۵۲۰۰ واحد سقوط کرده است. تحلیلگران این افت را ناشی از افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی در منطقه و نگرانی سرمایه‌گذاران از تبعات اقتصادی درگیری‌های اخیر می‌دانند. گزارش‌ها حاکی است با تشدید نااطمینانی در بازارهای منطقه، بخشی از سرمایه‌گذاران اقدام به خروج سرمایه از بازارهای پرریسک کرده‌اند؛ موضوعی که فشار فروش در بورس دبی را افزایش داده است.

جهش ۲ برابری قیمت هلیوم در دنیا

پس از تعطیلی تأسیسات گازی راس لفان قطر، عرضه هلیوم مختل شد و حالا قیمت این گاز در جهان بیش از ۲ برابر شده است. به گزارش فارس، قطر دومین تولیدکننده بزرگ هلیوم در جهان است و حدود ۳۳ درصد از تولید جهانی را تأمین می‌کند که برابر با حدود ۶۳ میلیون مترمکعب در سال ۲۰۲۵ است. هنگامی که تأسیسات «راس لفان» قطر، بزرگ‌ترین مجتمع صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) جهان، به دلیل جنگ ایران تعطیل شد، عرضه هلیوم هم مختل شد؛ چرا که این گاز به عنوان محصول جانبی در فرایند پالایش گاز طبیعی استخراج می‌شود. در نتیجه، بازار اکنون ماهانه حدود ۵.۲ میلیون مترمکعب از عرضه هلیوم را از دست می‌دهد، در حالی که ظرفیت ذخیره‌سازی اضافی تقریباً در هیچ نقطه‌ای از جهان وجود ندارد؛ زیرا هلیوم در هنگام ذخیره‌سازی تبخیر می‌شود و باید ظرف حدود ۴۵ روز به مصرف کنندگان نهایی برسد. این اختلال تاکنون باعث دو برابر شدن قیمت هلیوم از زمان آغاز جنگ ایران شده است. اگر این وقفه‌ها بین ۶۰ تا ۹۰ روز ادامه یابند، قیمت‌ها ممکن است ۲۵ تا ۵۰ درصد دیگر افزایش یابد و احتمالاً به بیش از ۲۰۰ دلار برای هر هزار فوت مکعب برسد که بیش از چهار برابر سطح قیمت‌های ابتدای سال ۲۰۲۶ است.

هزینه آمریکا برای جنگ تاکنون

در حالی که تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران وارد شانزدهمین روز خود شده است، هزینه‌های تحمیلی جنگ به بودجه دولت آمریکا روز به روز بیشتر می‌شود. به گزارش تسنیم، ساعت هزینه‌های جنگ که بر اساس آمار رسمی دولت آمریکا از هزینه‌های هر روز اول جنگ کار می‌کند، نشان می‌دهد هزینه‌های این جنگ برای دولت آمریکا در روز شانزدهم از ۲۱ میلیارد دلار گذشته است. کارشناسان معتقدند این هزینه‌ها صرفاً مربوط به ابزار و تجهیزات به کار رفته در جنگ علیه ایران است و اگر زبان‌های وار داشته به پایگاه‌ها و تجهیزات آمریکا در منطقه در اثر حملات موشکی و پهپادی ایران را در نظر بگیریم، هزینه‌های تحمیلی جنگ به آمریکا بسیار بیشتر از این رقم خواهد شد.

سرنوشت کالابرگ در سال ۱۴۰۵ چه می‌شود؟

بر اساس اظهارات مسئولان وزارت کار، منابع مالی طرح کالابرگ برای سال آینده پیش‌بینی شده که با توجه به تخصیص ۹۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار احتمالاً رقم کالابرگ بدون تغییر خواهد بود. به گزارش میزان، اعتبار کالابرگ به ازای هر عضو خانوار فعلاً در حد همان یک میلیون تومان است و هرگونه تغییر مبلغ نهایی مستلزم تصمیم دولت و تصویب کارگروه ماده ۱۳ خواهد بود. به دنبال اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی بسیاری از افراد و کارشناسان خواستار تداوم اجرای طرح کالابرگ و افزایش مبلغ یک میلیون تومان اعتبار کالابرگ شدند. کارشناسان معتقدند اجرای این طرح که با هدف تأمین نیازهای خوراک خانواده‌ها اجرایی شده، اقدام مثبت و اثرگذاری است و در کوتاه‌مدت کمک‌بزرگی به حفظ قدرت خرید و معیشت خانوارها خواهد کرد ولی در بلندمدت نیازمند افزایش اعتبار کالابرگ است. ایمان زنگنه، سخنگوی معاونت فاعو امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت‌وگویی از احتمال افزایش اعتبار کالابرگ در فصل بهار خبر داده و گفته بود با توجه به ظرفیت قانونی که وجود دارد پیشنهاد این که اعتبار کالابرگ متناسب با افزایش قیمت‌ها افزایش پیدا کند یا تغییر یابد فراهم است و وزارت تعاون این پیشنهاد را ارائه خواهد داد.

افزایش مبلغ کالابرگ منوط به تصمیم‌گیری دولت

این در حالی است که سجاد سنگسری، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هرگونه تغییر اعتبار کالابرگ و افزایش مبلغ یک میلیون تومان را منوط به تصمیم‌گیری دولت برای سال آینده دانست و اعلام کرد تا پایان فروردین سال آینده هیچ‌گونه افزایشی نخواهیم داشت. به گفته سنگسری برای سال ۱۴۰۵ اگر دولت بر اساس گزارش‌ها، معیارهای شاخص‌های اقتصادی موجود تصمیم بگیرد، حتماً در ابتدای سال از طریق دولت اطلاع‌رسانی خواهد شد. همچنین یعقوب اندیش، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در گفت‌وگویی از پیش‌بینی اعتبار ۹۶۰ همتی برای تأمین منابع مالی کالابرگ توسط دولت و مجلس در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده بود؛ این اقدام می‌تواند به منزله تداوم طرح کالابرگ در سال جدید و کمک به حفظ قدرت خرید آن‌ها باشد. تخصیص ۹۶۰ هزار میلیارد تومان در بودجه، نشان‌دهنده پیش‌بینی اعتبار کالابرگ برای ۱۲ ماه و حداقل برای ۸۰ میلیون ایرانی و هر کدام از هموطنان به مبلغ یک میلیون تومان است. با توجه به این صحبت‌ها منابع مالی طرح کالابرگ برای سال آینده پیش‌بینی شده ولی اعتبار تخصیص یافته به ازای هر عضو خانوار فعلاً در حد همان یک میلیون تومان است.

چرانفت ۱۰۰ دلاری هم برای آمریکا دردسرساز است؟

می‌تواند اثر روانی و واقعی بزرگی بر سبد هزینه خانوار بگذارد. بنزین گران‌تر، هزینه رفت‌وآمد بالاتر و فشار بیشتر بر کالاهای روزمره، دقیقاً همان عواملی است که مستقیماً به رفتارهای دهنندگان گرهمی‌خورد. از این زاویه، نفت ۹۰ دلاری یک متغیر صرفاً اقتصادی نیست؛ یک متغیر انتخاباتی است. دولت آمریکا و در افق نزدیک‌تر، شخص ترامپ-برای بازسازی پایگاه رأی خود به رضایت طبقه متوسط نیاز دارد. اما انرژی گران، دست سیاست‌گذار را می‌بندد: نه می‌توان نرخ بهره را پایین آورد، نه می‌توان فشار هزینه‌ای خانوار را نادیده گرفت. به همین دلیل است که تلاش‌هایی نظیر آزادسازی ذخایر بیشتر شبیه «خبر درمانی» توصیف می‌شود تا یک راه‌حل واقعی.

نکته مهم‌تر این که اثر تنگه هر فقط به نفت محدود نیست. اختلال در این گلوگاه، بازار LNG و به‌ویژه بازار کودهای شیمیایی را هم تحت فشار قرار داده است. طبق داده‌های موجود، سهم بالایی از تولید و صادرات اوره به این منطقه وابسته است و افزایش قیمت کود، با یک وقفه زمانی، به گرانی محصولات کشاورزی و تشدید تورم غذایی منجر می‌شود. این همان مسیری است که شوک انرژی را به سفره خانوار آمریکایی و اروپایی وصل می‌کند.

جمع‌بندی تحلیل روشن است:

اقتصاد جهانی امروز آن قدر آسیب‌پذیر شده است که به جهش‌های هالیوودی قیمت نفت نیازی ندارد. نفت ۹۰ دلاری، اگر ماندگار شود، برای تحت فشار قرار دادن تورم هسته، قفل کردن سیاست پولی و فرسایش قدرت خرید طبقه متوسط کاملاً کافی است. در چنین شرایطی، جنگ فقط در میدان نظامی تعیین‌کننده نیست؛ در پمپ‌بنزین‌ها، افساط و سبد خرید خانوارها ادامه پیدا می‌کند.

با اقتباس از تحلیل میلاد سالمی در تمام رخ مدیا

برخلاف تصویر رایج، اثر اقتصادی جنگ لزوماً مسیر نفت ۱۵۰ یا ۲۰۰ دلاری عبور نمی‌کند. تجربه هفته‌های اخیر جنگ نشان داد حتی تثبیت قیمت نفت در محدوده ۹۰ تا ۱۰۰ دلار هم می‌تواند برای اقتصاد جهانی — به‌ویژه اقتصاد آمریکا — به اندازه کافی در دسرساز باشد. مسئله اصلی نه «شوک قیمتی نمایشی»، بلکه ماندگاری قیمت‌های بالاتر انرژی در شرایطی است که اقتصاد جهان هنوز از زیر بار تورم، بدهی و نرخ بهره بالا خارج نشده است. بازار نفت پس از جهش اولیه (پس از بسته شدن تنگه هرمز)، با مداخلات سیاسی و خبرسازی در باره آزادسازی ذخایر استراتژیک، از مسیر جهش‌های افراطی منحرف شد. اما این به معنای بی‌اثر شدن شوک جنگ نیست. قیمت نفت حوالی ۹۰ تا ۱۰۰ دلار، در اقتصاد آمریکا که خانوارهایش هنوز هزینه تورم سال‌های گذشته را می‌پردازند، به مراتب اثر فرساینده‌تری دارد تا یک جهش کوتاه‌مدت و نوسانی.

نقطه کانونی این فشار، هسته تورم آمریکا است؛ جایی که سیاست‌گذار پولی بیش از هر چیز به آن حساس است. افزایش قیمت انرژی، حتی اگر مستقیماً در تورم کلی مهار شود، از مسیر حمل‌ونقل، خدمات و قیمت کالاهای مصرفی به تورم هسته‌نشست می‌کند.

نتیجه روشن است: فدرال رزرو نمی‌تواند به راحتی وارد فاز کاهش نرخ بهره شود، هزینه بدهی خانوار و بنگاه‌بالاتر ماند و فشار معیشتی تشدید می‌شود. این همان جایی است که موضوع «تورم» جای خود را به مسئله مهم‌تری می‌دهد: قدرت خرید خانوار. نکته کلیدی آن است که سیاست‌گذار آمریکایی بیش از آن که نگران عدد تورم باشد، نگران نارضایتی طبقه متوسط است. شوک‌های کوچک انرژی — حتی ۱۰ تا ۱۵ دلار افزایش قیمت نفت — در شرایط فعلی